

## اعتصاب یکپارچه کارگران گروه ملی فولاد!

کارگران گروه ملی فولاد اهواز در ادامه اعتراضات قبلی خود، صبح امروز یکپارچه دست از کار کشیدند. کارگران با راهپیمایی به طرف میدان بقایی راه افتاده و در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. اعتصاب یکپارچه کارگران بدنبال ممانعت مدیریت شرکت از ورود ۲۱ نفر از کارگران و تصمیم به اخراج آنها اتفاق افتاد. علی محمدی، مدیر عامل شرکت که بشدت مورد نفرت کارگران فولاد است، با خبر اعتصاب یکپارچه و خشم کارگران فولاد در اتاقی مخفی میشود و سرانجام پا به فرار میگذارد. خواست کارگران فولاد ادامه مطالبات قبلی خود مبنی بر طرح طبقه بندی مشاغل و بازگشت به کار همکاران اخراجی و لغو حکم اخراج ۲۱ نفر از کارگرانی است که دیشب اجازه ورود به شرکت نیافتند.

رفقای کارگر!

طبقه کارگر در ایران و مردم آزادیخواه در جریان مبارزات متحدانه شما چه در گذشته نه چندان دور و چه در دوره اخیر هستند. تلاش همیشگی شما برای دفاع متحدانه از مطالبات بر حق خود، برای بهبود سطح زندگی و مقابله با توطئه های کارفرمایان و دولت و مقامات قضایی آنها، ... صفحه ۲

## جوانان ایران دیکتاتوری ندیده اند!

مظفر محمدی

خامنه ای اخیرا در باره دیکتاتوری و انتخابات گفته است: «جوانان ایران دیکتاتوری ندیده اند. اگر انتخابات نباشد دیکتاتوری می شود، هرچ و مرج و اغتشاش می شود!» قبل از هر چیز باید بدانیم که مخاطب خامنه ای کیست؟ مخاطب او و نظام حاکم از صدا و سیما تا روزنامه ها و مساجد و نماز جمعه ها و خطبه ها و منبرهایشان، نه جامعه ی آگاه قرن بیست و یکم، نه طبقه کارگری که بعد از قیام ۵۷ شوراهای کارگری کنترل نفت را برپا کردند، نه جوانان و تحصیلکردگانی که در دانشگاه های علم و تکنولوژی و سیاست و فرهنگ و اخلاقیات پیشرفته بشر جهان متمدن آموزش دیده اند، نه زنانی که از روز اول اعلام حجاب اجباری در تهران خیابان ها را لرزاندند و در طول چهاردهه است علیه آپارتاید جنسی می جنگند و با جنگ و دندان از آزادی و حرمت انسانی و برابری دفاع می کنند. هیچکدام از این ها نیست. مخاطب خامنه ای عقبمانده ترین قشر جامعه است که جمهوری اسلامی با مدال و درجه و پول خریده و در سازمان های دینی و نظامی و ... صفحه ۴

- کارگران جهان متحد شوید! -



## تنها بشریت متمدن می تواند این گراز وحشی را مهار کند!

مظفر محمدی

جنگ های ادیان و اشراف و قبایل، در تاریخ عصر بربریت عریان ثبت شده است. هزارو پانصد سال قبل چند نسل انسان با شمشیر خلفای راشدین اسلام به خون کشیده شدند، اموالشان غارت و به زنان و کودکانشان تجاوز کردند تا اگر زنده ای باقی بماند را بردگان دین کنند. دینی که صاحبانش خود از بی باورترین ها هستند! هشتصد سال قبل قوم تاتار مغول، آسیا تا شرق اروپا را به خاک و خون کشید. از عصر رنسانس و پایان قرون وسطی در جهان متمدن، جنگ های جهانی حکام سرمایه، بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی را در تاریخ سیاه این نظام ثبت کرد. اواسط قرن بیستم باز حکام سرمایه به مدت بیست سال شهر و روستاهای ویتنام را بر سر مردم ویران کردند و به مدت نیم قرن کودکان و مردم کوبا را با محاصره اقتصادی کامل دچار گرسنگی و بی دارویی کردند. در جهان امروز بار دیگر شمشیرهای دین از آستین اسلام راستین طالبان و داعش باز هم بخشی از خاورمیانه را به خون آغشته کرد. اسلامی که از زیر عبای اسلام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با کشتار جمعی زنان و جوانان در دهه ی شصت که فقط ریش و حجاب نداشتند، سر برآورد. ... صفحه ۲

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

## ورق برمیگردد!

## آخرین تلاش امریکا در ادامه نسل کشی

## جمهوری اسلامی و موشدوانی های گروه «جیش العدل»

خالد حاج محمدی

گروه اسلامی «جیش العدل» روز شنبه ۲۵ آذر (۱۶ دسامبر) به یکی از پاسگاههای مرزی در راسک حمله کرد. طبق اخبار منتشر شده در این ماجرا یازده مأمور انتظامی کشته و تعدادی زخمی شدند. گفته میشود دو نفر از نیروهای «جیش العدل» نیز کشته شده و یک نفر هم توسط جمهوری اسلامی دستگیر شده است. بعد از این ماجرا به روال همیشه تبلیغات جمهوری اسلامی با ادعای مبارزه با ترور و تروریسم، پخش سموم ناسیونالیستی و ملی گرایانه، تقدس مرزهای ایران و مرزداری و حمله به «مرزبانان کشور» هم از طرف حاکمیت و هم از جناب طیفی از ناسیونالیستها دو آتشه ایرانی راه افتاده است. جمهوری اسلامی به این بهانه نیروهای نظامی به منطقه سرازیر و محل کار و زندگی مردم را میلیتاریزه کرده است. همزمان بازار جوخه های اعدام به نام مبارزه با «تروریسم» و «دفاع از مملکت و مرز و بومهای آن» راه انداخته و دستگیری مردم در منطقه و فضای ترس و رعب را گسترش داده است.

این اولین بار نیست که گروه اسلامی «جیش العدل» دست به عملیاتهای نظامی، ترور و ابراز وجودهای از این قبیل در مناطق مرزی ایران و پاکستان میزند. این نوع ابراز وجود برای فرقه های غیر اجتماعی، متعصب و عقب مانده مذهبی یا قومی، تنها امکان اعلام وجود و تلاش برای دمیدن نور امیدی در فرقه خود برای بقا است. اینگونه فرقه ها در ایران بر خلاف پروپاگاندا ناسیونالیستهای ایرانی و ادعاهای پوچ جمهوری اسلامی در «مبارزه با تروریسم»، زاده شرایطی هستند که اساسا جمهوری اسلامی به عنوان یک حاکمیت ارتجاعی و مذهبی، ایجاد کرده است. ... صفحه ۳

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

مردم اوکراین قربانی رقابت ناتو و دولت روسیه است. اشک همساح دول غربی برای مردم اوکراین یک ریاکاری تبهکارانه است!

و امروز جهان در اوج پیشرفت علم و صنعت و تفکر و آگاهی بشر، هنوز اسیر نظام سرمایه و دین و نژاد است. بشریت جهان امروز نظاره گرد دست تبهکار دول متظاهر به تمدن از آمریکا تا اروپا است که از آستین نتینهاو و دولت نظامی اش بیرون آمده و بار دیگر بربریت «متمدنانه» ای را به بشریت تحمیل کرده است. نسل کشی در غزه توسط دولت نژادپرست اسرائیل و حامیان کاخ سفید و پنتاگون و دول اروپایی یاد آور بربریت تاتارهای مغول این بار نه با شمشیر، با ۳۰ هزار تن بمب بر سر زنان و کودکان و سالمندان فلسطینی است. سوال ساده این است، چه کسی باید دولت نظامی و نتینهاو، این گراز وحشی را مهار کند؟ کیست نداند که نتینهاو و دولت نظامی اش، بدون چراغ سبز و حمایت دول غرب و آمریکا نمی توانست چنین حمام خونی در غزه راه بیندازد. از نتینهاو مجرم و صهیونیست های حاکم بر کشور اسرائیل، تا سرمایه داران یهودی آمریکا که با سیطره بر اقتصاد این کشور، دولت ها و سیاست خارجی شان را رقم می زنند، پنتاگون، سرویس های اطلاعات نظامی بریتانیا، همگی یعنی کل سیستم نظامی و سیاسی حاکم سرمایه در غرب و آمریکا و خاورمیانه دست هایشان تا آستین در خون مردم غزه رنگین است. توقع این که این مجرمین قلاده ی نتینهاو و دولت نظامی اش را بکشند بیهوده و پوچ است. سازمان ملل و حقوق بشرشان هم مترسکی بیشت نیست. داستان کمک های بشر دوستانه شان هم شرم آور است.

صهیونیسم، تاریخی حدود یکصد ساله نژادپرستی و تجاوز و محاصره و کشتار جمعی مردم فلسطین دارد، اما ملی گرایی فقط به صهیونیسم خلاصه نمی شود. این ملی گرایی امروز پشت دلار و یورو و پوند انگلیس چهره تمیزتری از صهیونیسم ندارد. زمانی که دولت المان به نیروی کار احتیاج دارد یک میلیون مهاجر سوریه را می پذیرد، در جنگ اوکراین درب کشورهای اروپایی به روی پناهندگان اوکراینی باز است، چون خون اروپایی از خون فلسطینی رنگین تر است. چون نژاد اروپایی برتر است. اما مردم غزه که از هوا و زمین و دریا محاصره و نزدیک به صد هزار نفرشان کشته و زخمی شده اند و بیش از ده هزار کودک کشته و یا از گرسنگی و بی دارویی جان داده اند، مرزهای مقدس شرق و غرب هم به رویشان بسته شده است. گیریم افسار صهیونیست های اسرائیلی را رها کرده اند، ولی دیگر مرزها را چرا بروی گرسنگان و زنان و مردان و سالمندان و کودکان زخمی و مریض بسته اند؟ یکصدم هزینه میلیاردها دلار و یورو و سلاح و مهمات کشتار جمعی آمریکا و اروپا هدیه به نتینهاو و هزینه ی کشتار مردم غزه برای نجات بازماندگان جنگ کافی بود و هست؟

دولت های عربی که دور گنجه های نفت حلقه بسته و پز اتحادیه عرب و اوپک می دهند و مدیانشان مملو از تبلیغات «میهنی» و «ملی» خون و شرف عربی است، چرا مرزها را به روی غزه بسته اند؟ آیا پناه دادن یک میلیون آواره ی غزه برای کشورهای نفتخیز و میلیارددرهای خوک صفتی که حتی دستگیره درب و پنجره های قصرهایشان هم طلا است، خرج زیادی داشت و دارد؟!

کسانی که جنایت حماس در هفتم اکتبر را مبداء تاریخ جنگ اسرائیل در فلسطین می نامند، اگر مغرض نباشند، ابله اند. نزدیک به یک قرن محاصره مردم فلسطین و بیرون راندن حدود ده میلیون فلسطینی از خانه و کاشانه ی خود و آواره ی کشورهای عربی که شهروند درجه دوم نامیده شده و نیروی کار ارزان سرمایه داران

این کشورها هستند، کشتار مکرر کودکان و نوجوانانی که با سنگ در مقابل گلوله می ایستند، به بهانه ی یک اقدام تروریستی... تاریخی خونین و ننگی بر پیشانی نژادپرستان یهودی و حامیان امریکایی و غربی شان است.

این تاریخ با خون مردم فلسطین نوشته شده است. مردم فلسطین تا همین اواخر حماس و جهاد اسلامی نداشتند. دنیا می داند که حماس را خود اسرائیل علیه مردم فلسطین و برای ایجاد تفرقه در بین این مردم سازمان داد و موفق شد فلسطین را دوشقه و چند شقه کند. دلارهای امارات در چمدان های دولت اسرائیل به حماس داده شد.

متأسفانه در میان بخش ناآگاه جامعه ایران هم بدلیل جنایات جمهوری اسلامی و حمایت این رژیم از حماس، از نسل کشی در غزه چشم پوشی و دشمنی اسرائیل و جمهوری اسلامی به نفع مردم ایران قلمداد می شود. این طیف انسان ها کم یا زیاد، باید از خود پرسند که ۷۰ سال جنایت اسرائیل به کنار، آیا بیست هزار کشته ی مردم غزه در این دو ماه که ده هزارشان کودک اند، حماس بودند؟ آیا با خاک یکسان کردن غزه و کشتار و آواره کردن دو میلیون انسان، شکست حماس نامیده می شود؟ این تصویری ابلهانه است. اسرائیل بازنده ای این جنگ کثیف نژادپرستانه است. ویرانی شهرها و کشتار جمعی نشانه ی پیروزی هیچکس نیست. بمب های چند تنی که بر سر مردم غزه ریخته می شوند از آمریکا فرستاده شده اند. انگار جهان حاکم سرمایه از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب علیه مردم غزه بسیج شده است. آیا این به معنای پیروزی دولت صهیونیست اسرائیل است؟ مطلقاً نیست. شکست اسرائیل در افکار عمومی و روان جامعه ی بشری از پیش ثبت و درج شده است. تاریخ بشر این نسل کشی را فراموش نمی کند و نمی بخشد. برنده ی میدان جنگ الزاماً پیروز نیست. این رسوایی تاریخی نظام سرمایه داری از شمال آمریکا تا اروپا و استرالیا و خاورمیانه در کتاب تاریخ امروز و ایندگان بشر ثبت می شود. این ننگ بر پیشانی نظام تبهکار سرمایه و سود و اسلحه پاک نمی شود!

جو بایدن و ریشی سوناک و از جمله محمد آل نهیان امارات و عبدالفتاح سیسی مصر... کم تر از نتینهاو مجرم نیستند. این مجرمین در تاریخ ذهنیت و وجدان میلیاردها انسان کره زمین محاکمه و محکوم اند. جنایات نتینهاو و بایدن روی جنایات جمهوری اسلامی را سفید کرده است.

مبارزات مردم ایران با آزادی مردم غزه و فلسطین هیچ مغایرتی ندارد. یکی اسیر قربانی اسلامیسیم و دیگری قربانی صهیونیسم است. هر دو از یک جنس اند. مردم فلسطین، کارگران و زنان و کودکان فلسطینی با طبقه کارگر و مردم ستمدیده ایران یک منفعت مشترک دارند. ما همچنان که علیه جمهوری اسلامی هستیم در کنار مردم فلسطین قرار داریم.

تنها بشریت متمدن و آزادیخواه جهان می تواند قلاده ی این سگ هار در خاورمیانه را بکشد. هنوز بخش بسیار کوچکی از این بشریت فریاد برآورده اند. این در حالی است که هیچ انسان صاحب وجدان و انسانیتی نیست که در این شب و روزهای سیاه و شوم شبی را با خیال راحت بر بالین گذاشته و صبح بدون ذغدغه ای این نسل کشی و کشتار جمعی بیدار شود. این میلیاردها انسان می تواند از تغییر این شرایط مرگبار و ضد بشری مایوس گردد.

می توان و نباید صحنه ی دریدن شکم یک مادر کشته شده بخاطر نجات کودکش را دید و فقط تاسف خورد یا گریست. نباید فقط مشاهده عمل جراحی قطع پای کودکان زخمی جنگ بدون داروی بیهوشی را فقط دید و گریست. اشک های ما، خشم ما اگر طوفان نشود، جز استیصال معنی ندارد. کجا است خشم ده ها و صدها میلیونی مردم جهان! کجا است طبقه کارگر بیدار و رویای جهان آزاد و برابر!

بردگی ما، در گرو ادامه استبداد و زندان و اخراج و فقر و محرومیت علیه ما است، راهی جز حمایت از همدیگر نداریم.

امروز همراه شما رفقا در فولاد، کارگران صدها و شاید هزاران مرکز کارگری دیگر برای نان شب، علیه گرانی، برای پایان قرار دادهای موقت، علیه اخراج و بیکاری و علیه دستمزدهای ناچیز... در اعتراض روزانه با کارفرمایان و دولت هستند. این جدال روزانه در اشکال مختلف در جریان است. در این جدال ما غیر از همدیگر و مردم محروم و متمدن حامی دیگری نداریم. راه قوی کردن خود و افزایش توان ایستادگی در مقابل دولت سرمایه دارن، یکی کردن این نیرو، تقویت همبستگی و اتحاد وسیع و همه جانبه ما است. مایمی که اگر کمبودهای خود را رفع کنیم، اگر عملاً در کنار هم و به عنوان صفی متحد بایستیم، دولت و قوه قضائیه و کارفرما و مرتجعین را مجبور میکنیم که تسلیم شوند. آنها در تمام تاریخ برای تسلیم کردن ما کوشیده اند، در کنار هم ایستاده اند و حاکمیت ضد کارگری و استثمارگرانه خود را حفظ کرده اند. ما هم به عنوان یک طبقه به این با هم بودن نیاز داریم، این تنها ضامن پیشروی و پیروزی ما حتی در مبارزات امروز کارگران فولاد است.

زنده باد اتحاد کارگری

زنده با آزادی و برابری

زنده باد حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

دوم بهمن ۱۴۰۲ - ۲۳ دسامبر ۲۰۲۳

اعتصاب یکپارچه ...

علیه اخراج و تهدید و پرونده سازی ها، علیه احکام قضایی زندان، شلاق و قطع نان کارگران و فعالین مورد اعتماد در فولاد اهواز از کسی پوشیده نیست. اتحاد و همبستگی شما کارگران، حمایتهای مردم اهواز از شما، اتحاد شما و کارگران هفت تپه و حمایتهای همیشگی از همدیگر، صفحه درخشانی در تاریخ جنبش کارگری ایران است.

اتحاد تا کنونی و توان ایستادگی شما در مقابل مدیریت و دولت و انواع مقامات ضد کارگری در محل بی تردید بیان هوشیاری شما و تلاش مشترک کارگران فولاد در تجمعات خود، اتکا به مجامع عمومی به عنوان ظرف اتحاد و بحث و تبادل نظر و تصمیم جمعی کارگران این مرکز است. این نیاز بطور دائم و همیشگی روی میز هر مرکز کارگری از جمله کارگران فولاد است. این مهمترین ابزار برای حفظ اتحاد کارگران فولاد و هر مرکز کارگری، برای قانع کردن همدیگر، کمک به همدیگر، خنثی کردن تبلیغات و تهدیدات داهی دولت و کارفرمایان، مقامات آنها و مبلیغین ضد کارگری آنها، نفاق افکنان و مرتجعین ضد کارگری است.

بی تردید کارگران فولاد شایسته بیشترین حمایتهای طبقه کارگر در ایرانند. خواست و مطالب شما و صدها و هزاران مرکز کارگری از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، چیزی جز عدالت اجتماعی، بهبود و رفاه و حق تشکل و ابزار نظر و اعتراض و اعتصاب و علیه فقر و استبداد نیست. ما به عنوان عضوی از خانواده کارگری، به عنوان عضوی از یک طبقه وسیع اجتماعی در ایران و جهان، در مقابل سرمایه داران و حکومتشان که ادامه حاکمیت آنها در گرو توان ادامه استثمار و

## ورق برمیگردد! آخرین تلاش امریکا در ادامه نسل کشی

بالاخره پس از یک هفته کش و قوس و تاخیر در اجلاس شورای امنیت، دولت امریکا با رای ممتنع خود به قطعنامه ای بی خاصیت، عملا و رسماً آتش بس فوری و پایان دادن به کشتار مردم بیگناه فلسطین را وتو کرد.

دولت امریکا با «تغییرات» پیشنهادی خود در «لحن» و «فرمولبندی های» قطعنامه، با تغییر «پایان فوری تخاصمات» به «ایجاد شرایط برای پایان دادن به خصومتها» و حواله دادن آتش بس به آینده ای نامعلوم، با حذف «نظارت سازمان ملل بر کمکهای ارسالی به نوار غزه» و تبدیل آن به پروسه ای بوروکراتیک و غیرممکن، عملا دست دولت فاشیست اسرائیل را در «پایان دادن به کار خود»، قتل عام مردم نوار غزه، باز گذاشت! تاخیر در اجلاس شورای امنیت تلاشی بود برای حفظ ظاهر «رهبری» امریکا و استتار انزوی امریکا در جهان و حتی در میان متحدین خود! تلاشی بود برای تظهير چهره کریه و جنایتکارانه هیئت حاکمه امریکا، بعنوان جنگ طلب ترین، شرور ترین و جانی ترین قدرت میلیتاریستی جهان! تلاشی که علیرغم نورافکن میدیا روی این «پیشروی» و «امید»، در همان لحظه اول شکست خورد.

افتضاح این نمایش تهوع آور چنان عریان بود که حتی میدیای رسمی و دست راستی در غرب حاضر به برجسته کردن قدرانی های بیمایه نماینده امریکا در سازمان ملل از دولت امریکا برای «تلاشهای خستگی ناپذیر دیپلماتیک» در دفاع از صلح و ادعاهای مکرر وی مبنی بر تثبیت نقش امریکا بعنوان «رهبر جهان آزاد»، نشدند و آنرا در رده اخبار درجه سه در گوشه ای منتشر کردند.

افتضاح این بالاسکه شنبع چنان عیان بود که حتی رئیس سازمان ملل نتوانست فاصله خود با این قطعنامه بی یال و کویال و بی خاصیت را اعلام نکند و بعنوان اپوزیسیون دولت امریکا یکبار دیگر خواهان آتش بس فوری و پایان دادن به جنایات دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین نشود. حتی نادان ترین تحلیلگران قادر به مخفی کردن بی خاصیت بودن این قطعنامه و ادعای «تشدید کمکهای بشردوستانه» به مردم نوار غزه، زیر بمباران ارتش اسرائیل، نشدند.

ممانعت دولت امریکا از توقف کشتار مردم فلسطین، حمایت سیاسی، نظامی، تسلیحاتی و مالی از دولت فاشیست اسرائیل در نسل کشی، بلوکه کردن کوچکترین تلاش برای محدود کردن ماشین کشتار جمعی دولت اسرائیل، آخرین میخ ها را بر تابوت «رهبر جهان آزاد» میزند. تلاشهای دولت امریکا برای ادامه توحش و جنایت وسیع علیه مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل، تنها پرورنده پر از توحش و بربریت دولت امریکا را نزد مردم متمدن جهان سنگین و سنگین تر میکند. بشریتی که بیش از دو ماه است در سراسر جهان، با خواست پایان فوری جنایت در فلسطین و برسویت شناختن حق آنها در داشتن دولت مستقل خود، زمین را زیر پای قاتلین مردم فلسطین به لرزه در آورده و صف به ظاهر متحد شان را شقه شقه کرده است.

ادامه توحش اسرائیل زیر حمایت همه جانبه امریکا، بیش از پیش عزم طبقه کارگر جهانی و مردم انسان دوست و صلح طلب را در دفاع از مردم فلسطین و پایان دادن به این بربریت راسخ تر کرده است. هر قطره خونی که بر ویرانه های نوار غزه میریزد، هر خانه و مدرسه، هر کودکستان و بیمارستان و پناهگاهی که بر سر ساکنین آن فرو میریزد، هر انسانی که در ویرانه های غزه کشته، آواره و سرگردان میشود، هر کودکی که بدست جلدان فاشیست اسرائیل جان خود را از دست میدهد، نیاز به دخالت بیشتر طبقه کارگر و بشریت متمدن و مقابله با عاملین این توحش و به زیر کشیدن دیوار اقتدار نظم خونین جهانی به رهبری امریکا را فوری تر میکند.

این توحش و کشتار، این وقاحت در دفاع از نسل کشی، این بیشرمی در توهین به شعور بشریت متمدن نمیتواند ادامه پیدا کند! فشار جنبش میلیونی مدافع مردم فلسطین در سراسر جهان، نیروی فاشیست و جنگ طلب چه در اسرائیل و چه در امریکا را افسار خواهد زد. قتلگاه غزه به میدان شکست و از یادآوردن فاشیسم اسرائیل و «رهبری امریکا» و میلیتاریسم تبدیل میشود. شکست این فاشیسم سرآغاز محاکمه جنایتکاران جنگی، از روسای فاشیست اسرائیل و امریکا تا حامیان آنها در غرب توسط جنبش دادخواهی مردم فلسطین به جرم جنایت علیه بشریت خواهد بود.

بشریت متمدن، آزادیخواه و انسان دوست این جنایت را نخواهد بخشید! ورق برمیگردد و انزوی امروز به شکستی سخت و عقب راندن فاشیسم و میلیتاریسم «رهبر جهان آزاد» تبدیل خواهد شد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۲۳ دسامبر ۲۰۲۳

### جمهوری اسلامی و ...

اعدام و کشتار از مخالفین خود، ترور و آدم ربایی، سنگسار زنان و دختران بر اساس قوانین مذهبی شیعه، قطع دست و اعمال شنیع به نام «جزای اسلامی»، تحمیل فقر و محرومیت همه جانبه و ابعاد فراوان آن در مناطقی چون سیستم و بلوچستان، در کنار اشاعه تعصبات مذهبی و ملی و ناسیونالیستی، بی تردید شرایط را برای عروج جریانات و گروههای قومی- مذهبی باند سیاهی از جنس خود جمهوری اسلامی را فراهم میکند.

بعلاوه در سطح منطقه در چند دهه گذشته، لشکر کشی، جنگ و جنایات امریکا و هم پیمانان غربی آن، کشتار و بمباران و خانه خرابی و ویرانی چندین کشور، نابودی زیر ساختهای اقتصادی و زندگی مدنی در بسیاری از کشورها و تلاش برای قومی - مذهبی کردن خاورمیانه و راه انداختن جنگهای نیابتی، پایه اصلی رشد جریانات متعصب و گانگسترهای نظامی به نام مبارزه با اشغال و جنگ و جنایات ناتو بود. دولت امریکا و دول غربی در ۵۰ سال گذشته انواع گروههای قومی و مذهبی را برای جنگهای نیابتی خود در منطقه سازمان دادند. دولتهای منطقه از ایران و عربستان تا قطر و ترکیه و ... هر کدام دست به سازمان دادن انواع باندهای مسلح و جنایتکار برای پیشبرد سیاست خود و در خدمت جنگهای نیابتی در سطح منطقه زدند. «جیش العدل» گروهی کوچک و فرعی و شعبه یکی از این جریانات است. در نتیجه تولد انواع جریانات گانگستر نظامی، آدم کش و ضد زن، اسلامی از شیعه تا سنی، گروههای قومی و نژاد پرست، اساسا زیر سایه میلیتاریسم غرب و سیاست دول مرتجع منطقه شکل گرفته، سازمان یافته، مسلح و به خدمت گرفته شده اند.

عملیاتهای نظامی این گروه به عنوان یک فرقه مذهبی و عقب مانده سنی، تاثیرات مخربی بر فضای سیاست در ایران و مبارزات آزادیخواهانه مردم محروم از جمله در بلوچستان علیه جمهوری اسلامی میگذارد. آویزان شدن به ناحق این گروه به فقر و محرومیت و رنجی که بر مردم محروم در این منطقه اعمال میشود، سر سوزنی به این جریان و هیچ باند قومی و مذهبی مشروعیت نمیدهد. افکار عقب مانده و اعمال این گروه، تحجر عمیق این فرقه سنی مذهب ضد زن و ضد اجتماعی، با زندگی شهری و متمدن در جامعه ایران، با فرهنگ شهری و مبارزات آزادیخواهانه مردم نه تنها بیگانه است که علیه آن است. موشدوانی های گاه و بیگاه و حملات نظامی آنها در شرایطی که مردم روزانه در سراسر ایران از اعتصابات کارگری تا اعتراضات زنان، جوانان، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و... کل بورژوازی ایران و حکومتش را به مصاف طلبیده اند، نه تنها مخرب است که بعلاوه توجیهی برای اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی علیه مردم آزادیخواه را فراهم میکند و فضا را بر جنبش های متمدن و انسانی تنگ میکند. راه انداختن جوخه های اعدام و دست بردن به میلیتاریسم در مناطق مختلف توسط جمهوری اسلامی، ایجاد ناامنی و خانه گردی و دستگیری مخالفان، نقشه ای آگاهانه علیه مبارزات آزادیخواهانه و پیشرو مردم به نام «مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت» است. جمهوری اسلامی با تاریخی از ترور و جنایت و توحش

علیه مردم آزادیخواه و مخالفان سیاسی خود، در موقعیتی نیست که دشمنی خود با باندها و گروههای مذهبی مخالف خود را مبارزه با تروریسم و تلاش برای امنیت نام بگذارد.

تبلیغات ملیگرایانه جمهوری اسلامی و ناسیونالیست های ایرانی، داد و فریاد بعضی از نیروهای اپوزیسیون از جمله «هیئت سیاسی- اجرایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و اطلاعیه رسمی آن، «دفاع از مرزهای ایران و مرزبانان آن، تقدیس خاک و مرز و بوم مملکت» از جانب این طیف، چیزی نیست جز ارتجاع خالص ضد کارگری و بخش سموم ناسیونالیستی و دفاع از نیروهای مسلحی که وظیفه دفاع از حاکمیت جمهوری اسلامی بر سرنوشت جامعه ای ۸۰ میلیونی دارند. اکنون و با تحولاتی که در سطح جهان اتفاق افتاده است، با شکست میلیتاریسم غرب و عقب نشینی هایی که به آن تحمیل شده است، با اعتراضات انسانی و آزادیخواهانه ای که در سطح خاورمیانه علیه فقر و بی حقوقی، علیه جنگ و جنایت و میلیتاریسم در جریان است، فضا بیش از همیشه بر کل جریانات مذهبی، قومی و گانگسترهای نظامی تنگ شده است. این دوره با شکست سیاست میلیتاریستی غرب بسیاری از گروههای که چه در چهارچوب سیاست ناتو سازمان یافتند و چه توسط دولتهای مرتجع و به نام مبارزه با میلیتاریسم غرب، به نام مذهب و قومیت و ملیت به جان مردم افتادند، دوره انقراض آنها و تلاش آنها برای بقا است.

سالهای اخیر مردم آزادیخواه و متمدن از لبنان تا عراق و ایران و...، با پرچم آزادیخواهانه علیه فقر و استبداد و بی عدالتی، علیه زن ستیزی و بی حقوقی، حاکمیتهای مستبد را به مصاف طلبیده اند. ایران دو سال گذشته میدان ابراز وجود اجتماعی وسیع مردمی بود که رفاه و برابری و عدالت و آزادی زن را میخواستند و برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان آمدند. در چنین اوضاعی زمینه مطلقا چه در سطح منطقه و خصوصا در ایران برای موشدوانی فرقه های عقب مانده و متعصب فراهم نیست. فرقه های قومی و مذهبی از نوع «جیش العدل» میتوانند اینجا و آنجا برای بقای خود، دست به عملیات انتحاری، اظهار وجودهای گاه و بیگاه نظامی و ترور و ... بزنند. اما جامعه ایران محلی برای نشو و نماهی هیچ دارودسته عقب مانده و ضد تمدن، از نوع مذهبی تا قومی نیست. امروز جنبش برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران، نه تنها جمهوری اسلامی را مجبور به عقب نشینی های جدی کرده است، که زمین سیاسی جامعه ایران را برای رشد و نمای هر ویروسی از نوع قومی تا مذهبی و خصوصا باندهای عقب مانده و متعصب از نوع «جیش العدل» نه تنها غیر مناسب که زمینه زوال و نابودی آنها را آماده کرده است. بی تردید این جنبش برای پیروزی به رهبری طبقه کارگر آگاه و متحد و کمونیسم این طبقه نیاز دارد. تامین این نیاز و پیشروی جنبش آزادیخواهانه در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی، یک دگرگونی عظیم و انسانی، نه تنها در ایران که در کل خاورمیانه با تاثیرات بزرگ جهانی بر جای خواهد گذاشت. در چنین شرایطی تمام جریانات و گروههای متعصب و ضد تمدن از نوع مذهبی تا قومی و شبه فاشیستی، همراه خود جمهوری اسلامی از منطقه چارو خواهند شد.



اطلاعاتی و جاسوسی و قضایی و مجلسی اش جا داده است. خامنه ای در ذهن بیمار و عصر حجری خود فکر می کند جوانان ایران طلبه های قم و حوزوی ها و وارداتی های چین هستند. فکر می کند زنان همان خواهر زینب های مسخ شده ی روزهای پس از قیام اند. ریسی یکی از همین مترسک های مخاطب بیت رهبری و محصول تعلیمات حوزوی و آموزش های عصر حجری اسلام و آخرالزمانی امام است. پایان نامه او مهر بی سواد خورده است. بلندپایه ترین مهره ی نظام بی سوادترین عنصر مسخ شده و بیخبر از تحولات جهان امروز است. (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!)

آیا خامنه ای از اعوان و انصارش و از پایگاه اجتماعی ای که بیش از چهار دهه است بر اساس دین و شریعت و خرافات و پول و تحمیق و فریب با اسامی حزب الله و بسیج و سپاه و اطلاعات و قاضی و زندانبان و شکنجه گر و جاسوس و قمه کش دور خود چیده است، مطمئن است؟ نیست. خامنه ای خود را به نفهمی میزند که دیگر حفظ این نهادهای سپاه سرکوب و نگه داشتنشان در منجلابی که برایشان درست کرده است، مثل سابق اسان نیست. فروری در و دیوار این برج ها مدتها است شروع شده است. دیگر حنای منبرها و خطبه ها و پامنبری های مسخ شده و نگون بختشان رنگی ندارد.

خامنه ای مثل علم الهدی و امام جمعه هایش موجودات روان پریش «ساکیوپات» اند که بر کرسی خطبه های امامان و پیغمبران عصر بربریت خطاب به مردمان پا برهنه ی گرسنه و بی سواد قبایل که منتظر جهاد و غنیمت گرفتن اموال و دارایی ها و زنان مهالک تسخیر شده با شمشیر عمر و علی و ... هستند دارد حرف می زند. این قشر تا مغز استخوان ارتجاعی و پوسیده نه جامعه را می فهمند، نه مبارزه طبقاتی را، نه پیشرفت های جامعه ی بشری را در همه ی عرصه های فلسفه، روانشناسی، جامعه، اقتصاد، سیاست و رفاه و آزادی و رهایی بشر.

در چند دهه اخیر روشنفکران وابسته و تکیه زده بر این عقبماندگی تاریخی فکر می کردند با کمی بالا زدن عمامه و لبخند خامی و «منشور شهروندی» روحانی... می توانند این ارتجاع پوسیده را رنگ و لعابی بزنند و به مردم بفروشند. این ابلهان مسخ شده ی تاریخ جهالت دیر فهمیدند که جمهوری اسلامی و اسلام و آخوند و منبر و خطبه و شرع و قوانین طهارت و غسل جنابت... قابل اصلاح و استحاله نیست.

امروز بجز امثال خامنه ای و علم الهدی و ریسی نوچه شان کسی به اصلاح این مغزهای پوسیده و منطبق کردنشان با جوامع و پیشرفتهای بشر امروز معتقد نیست. این نظام تاریخا و از پایه پوسیده است. کسی نمی تواند جامعه ی بشری را به بیابان های خشک و شترسواری اعراب دوران پیغمبران و امامانی که در همان دوران شکست خوردند، برگرداند. تولیدات این نظام در حمل و نقل امثال سواری پرای تولید اسلامی بر اساس شترسواری است نه تکنولوژی جهان امروز. این ابلهان هنوز نفهمیده اند که مردم ایران از این دست پخت های مغزهای کرم خورده ی نظام شریعت و شتر عبور کرده و خواهان بالاترین تولید صنعت ماشین سازی جهان امروز مثل تسلا و غیره هستند.

فرهنگ جامعه ی امروز از دیدگاه همین عصر بربریت، رقص شمشیر قبایل عربی نیست، فرهنگ مردم ایران برگرفته از پیشرفته ترین فرهنگ جهان امروز در موزیک، ترانه، رقص و شادی است که نه تنها مدل گروه های موزیک و هنر و فرهنگ جهان پیشرفته است بلکه در ساده ترین شکل و محتوی حتی در رقص و آهنگ خیابانی و کوچه و بازار صادق بوقی اش جهانی شده است.

خامنه ای تنها دیکتاتور نیست. بلکه تا مغز استخوان مرتجع و عقبمانده و ته مانده گندیده ی نظام عشایر و قبایل قرون وسطی است. خامنه ای را اگر ول می کردند، خود در صحنه های سنگ ساز زن، بریدن دست و پا و کور کردن و تجاوز جمعی به زنان و مردان همچون برادران داعشی خود شرکت می کرد و خطبه سر می داد.

خامنه ای اگر فرصت می یافت سودای امارت اسلامی ابوبکر بغدادی را در سر داشت. خامنه ای مرتجع پیشا دیکتاتوری نوین و از جنس علی و عمر است که در پیشاپیش لشکریان گرسنه و حریص به اسلام سازی با زور شمشیر و قمه و تجاوز و غارت و غنایم پرداختند. جمهوری اسلامی با همان شیوه و تفکر در ایران برپا شد. اموال مردم را غنیمت گرفت، به زنان و دختران تجاوز کرد و کشتار دهه ی شصت مشابه کشتار پیشینیان خود و پیغمبران و امامان را براه انداخت.

حاکمیت اسلامی خامنه ای در عرصه سیاست و فرهنگ و اخلاقیات مجری همان قوانین شریعت هزار و اندی سال پیش است. در عرصه اقتصاد، سرمایه های نقدی و جنسی و ملک و اموال جامعه غنایمی است که تا امروز در بنگاه های مالی همین وحوش ماقبل تاریخ به نام بیت رهبری و سپاه و بسیج جمع و انباشت شده است. در این نظام امام و امت و فقیه و ولایت، داراییهای جامعه مال مردم نیست. اموال جامعه نیست. غنایمی است که این قوم به تبعیت از

پیشینیان خود از مردم و جامعه ما به زور اسلحه و کشتار جمعی از دهه شصت تا کنون گرفته اند. تکنولوژی هم ابزار دیگری است که با غنائم گرفته شده ی جامعه خریداری و بجای تیر و کمان و شمشیر و قمه به ساختن مپ و پهباد و موشک اختصاص داده شده است.

مدرنیته، تکنولوژی و صنایع و تولید درحاکمیت اسلامی، ابزارهایی در خدمت اداره ی جامعه به شیوه بربریت دوران پیغمبران و امامان است. اخلاق و فرهنگ و قوانین و شیوه ی اداره ی جامعه بر مبنای قران و شریعت دوران بربریت است. فرهنگ و آموزش ازحوزه های دینی تا کتب درسی کودکان و مدارس و حتی دانشگاه ها بر پایه ی همان فرهنگ منحط و ارتجاعی هزار و چند سال قبل و ترشحات مسموم آن پایه ریزی شده است. درب جمهوری اسلامی همچون طالبان و داعش و حوثی ها و حزب الله بر همان پاشنه ی عصر بربریت اسلامی و خرافات دینی می چرخد.

این تناقض مرگبار، جمهوری اسلامی را در چنان تنگنایی قرار داده است که حتی حاضر است هواپیمای مسافربری را سرنگون کند و با پول غنائم داراییهای جامعه مپ شیمیایی و اقی برایش بسازند و بر سر مردم خود بریزد. چرا که در سیاست و فرهنگ و اخلاقیات و اقتصاد این نظام، رفاه و آزادی و حرمت انسان مینا نیست. گرسنگی و ریاضت و روزه و عزا و قیامت و بهشت و جهنم مینا است. مبنای خوشبختی انسان نه در زندگی امروز بلکه در جهنم یا بهشتی با نهرهای شیر و عسل و حوری های چند متری است. الگوی خوشبختی کودک، زن، مرد و کل انسان های جامعه، الگوی جهان دروغین و جعلی خودساخته ی پیغمبران و امامان شیعی و سنی است. جمهوری اسلامی بهمن سهمگینی است که بر سر جامعه ما فرود آمده است.

خامنه ای تنها دیکتاتوری شبیه پینوشه یا صدام حسین نیست. در حاکمیت صدام مردم گرسنه نبودند، بیکار نبودند، رفاه نسبی بود. دیکتاتوری اما مخالفت با رژیم را بر نمی تابید. این دیکتاتوری نوین این عصر است. اما دیکتاتوری خامنه ای تنها این نیست که کسی حق مخالفت با نظام را ندارد، بلکه بسیار فراتر از آن است. این دیکتاتوری آپارتاید جنسی است و مخالفت سهل است بلکه از مردم می خواهد قوانین پوسیده ی دین و شریعت و اخلاقیات و فرهنگ و سیاست دوران بربریت را هم برسمیت بشناسد. کسی در زندگی آزاد نیست. در پوشش آزاد نیست. در هنر و اخلاقیات و فرهنگ و رقص و موزیک و هنر و ... آزاد نیست. برای همه ی این عرصه ها نیروی نگهدارنده ی سرکوب و کشتار گذاشته شده است. قوانین و سبک زندگی از عصر بربریت الهام شده است.

این نظام تنها دیکتاتوری سرمایه داری از نوع جهان امروز نیست. جمهوری اسلامی بر مبنای امام و امت و ولایت فقیه ساخته شده، انتخابات و مجلس شورای اسلامی تفاله ی مجالس عصر حجری های «شورای نگهدارنده» و «خرگان رهبری» است. قوه مجریه و قضائیه، مجریان قوانین آخرالزمانی اسلامیند. حول و حوش این نظام و مترسک های دست نشانده ی رهبری، قمه کشان و نظامیان امنیتی ها و جاسوسان حلقه زده اند. این نمای واقعی جمهوری اسلامی است. این نوع دیگری از دیکتاتوری است که شباهت کمی با دیکتاتوری های جهان امروز دارد.

به این اعتبار تنها «مرگ بر دیکتاتور» برای این نظام کافی نیست. دیکتاتوری نظامی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در ایران نظام و قوانین دین و شریعت است. قوانین ضد بشری و عصر حجری حاکم بر جسم و روان انسان، غنیمت گرفتن داراییهای جامعه و ماه محرم و سینه زنی و کم بخور و یک وعده بخور و خوشبختی تو در این جهان نیست... است. دیکتاتوری جمهوری اسلامی تنها دیکتاتوری سیاسی و امنیتی کردن جامعه نیست بلکه حاکمیت قوانین گندیده دین و شریعت و امام زمانی است. تازه کشف کرده اند که این قوانین آسمانی و قران شان هم واقعی نیست. دوجلد باقیمانده دارد که قرار است امام زمان با خودش بیاورد!

اما مدت هاست نه تنها در میان مردم ایران بلکه در ذهنیت افکار عمومی جهان تجربه و اثبات شده که این دیکتاتوری و مبنای ایدئولوژیک پوسیده اش، با هیچ معیار پیشرفت جهانی بشر و انسانیت و رفاه و خوشبختی سنخیتی ندارد. جمهوری اسلامی بیش از چهاردهه است این تناقض مرگبار را با ریختن خون ده ها هزار انسان، با تباهی چند نسل تا امروز با خود کشانده است. جامعه ی ما تاوان سنگینی پرداخته تا از زیر بار این نظام تبهکار کمر راست کند. جامعه ای که عزم جزم کرده است تا زندگی را بر اساس بیشترین و بهترین داده های بشر امروز بسازد. امروز جامعه ما، طبقه کارگر، زنان و جوانان به نظام نکبت بار جمهوری اسلامی اعلام کرده است که چه می خواهد و چه نمی خواهد. اعتراضات و اعتصابات چند ده ساله ی طبقه کارگر، خشم و عصیان و شورش و قیام گرسنگان در یک دهه ی اخیر و جنبش سرنگونی برای آزادی و برابری نشان داده است که جامعه ی ما از زیر بهمن نظام دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی و دینی کمر راست کرده است. جنگی که بین ده ها میلیون انسان جامعه با اقلیتی دزد و غارتگر و فاسد با ابزار دین و گلوله و مپ و زندان و شکنجه و اعدام مدت ها است آغاز شده است. ... ادامه در صفحه بعد

بین این دو بخش جامعه دره عمیقی است. نظام دیکتاتوری سرمایه و دین بر لبه ی این پرتگاه ایستاده است.

جامعه ی پیا خاسته ما اعلام کرده است که دیگر قوانین دین و شریعت و زور و خطبه های عصر بربریت پیغمبران و امامان از زبان خامنه ای و علم الهدی و امام جمعه ها، زوزه هایی از سر استیصال بیش نیست.

جامعه ی ما به حکام سرمایه و دین اعلام کرده است که این بار شما باید که باید به ما گوش بدهید. به قوانین ما، به سبک زندگی ما، به فرهنگ و اخلاقیات و تمدن ما، به معیارهای آزادی و رفاه و خوشبختی جوانان و زنان و مردان و سالمندان ما، به شیوه ی زندگی برابری و انسانیت و حرمت انسانی ما، تمکین کنید. و همه ی این ها نه تنها در شعار مرگ بر دیکتاتور بلکه «مرگ بر جمهوری اسلامی» خلاصه شده است. در شعار «آزادی زن»، «زندگی آزاد و انسانی»، «آزادی بی قید و شرط» و رفاه و خوشبختی خلاصه شده است. در شعار حاکمیت شوراهای مردمی خلاصه شده است. جوانان ما، کارگران، زنان، فرهنگیان، بازنشستگان، پرستاران، گرسنگان و زحمتکشان مصمم اند جامعه را با دستاورد خود بسازند. باردیگر بسازند. به حاکمیت دیکتاتوری تا مغز استخوان فاسد و ارتجاعی اعلام شده است که این بار شما باید که به ما گوش بدهید. پای سکوهای طبقه کارگر آگاه بنشینید و از بخشی ها بشنوید. از دختران و جوانان انقلابی، از سپیده قلیان ها و توماج ها و از بچه هایی که از ما گرفتید بشنوید. از سارینا «رفاه، رفاه، رفاه» از نیکا «فرهنگ پیشرو»، از مجید رضا رهنورد «برمزارم نه غم از و نه قرآن بخوانید، شادی کنید، مردم شادی کنند...» بشنوید و بیاموزید. ما میدانیم که این نظام تبهکاران اصلاح بشو نیست. شما پرروتر، حریص تر و جنایتکارتر از ایند که حرف های ما را بفهمید. نظام ارتجاعی تا دندان پوسیده و کرم خورده ی دوران بربریت شما قابل اصلاح نیست. بشریت آگاه جهان دیکتاتورهای یکی پس از دیگری را به زباله دانی تاریخ فرستاده اند. مردم ایران هم دیکتاتوری از نوع دینی و نظامی شما همچون داعش را که بر لبه پرتگاه ایستادید به پایین هل خواهند داد. شما این پیام را از مردم ایران شنیدید. به اسلحه هایان چسبیدید. نیروهایتان را به ضرب پول و تحمیق نگه می دارید، به ترور و مپ و اتم و جنگ های منطقه ای فکر می کنید. تمام فکر و ذهن معیوب شما در تمام این دوران سیاه نه به مردم و آزادی و رفاه و خوشبختی شان بلکه به این موضوع که چکار کنید بیشتر بمانید مشغول است. شما تمام داریی هایی را که به غنیمت از ما گرفتید به جنگ و ترور و نیروهای مزدور منطقه ای و تسلیحات نظامی و مپ و پهباد و موشک و اتمی شدن اختصاص داده اید. شماها پیامبران مرگ و نیستی و فقر و گرسنگی و جهالت هستید. شما زخم های عمیق بر تن جامعه ما یید. شما غده های سرطانی ریشه دوانیده در تار و پود اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اخلاقیات و زندگی جامعه هستید. این سرطان را فقط با جراحی انقلاب توده ای و از پایین می توان از جسم و روان جامعه پاک کرد و از بین برد. شما خواب ساختن جهنم ابدی در همین دنیا را برای ما دیده اید. ما شما را از این جهنمی که برای ما ساختید به بهشت موعود رویاهای پلیید شرم آورتان حواله می دهیم. ما شما را دستجمعی بسوی پلییدیایی که شبانه روز

در سر می پرورانید و به مردم موعظه می کنید می فرستیم که از رودهای شیر و شراب اینقدر بنوشید تا شاید سیر شوید و شاید حرص و هوس های جنسی تان را با حوری های ذهن بیمار و کثیف تان فرو نشانید. ما شما را به بهشت حیوانی تان حواله می دهیم و شما شایسته ی همان بهشت اید که در اذهان پوسیده ی پیغمبران و امامان تان پرورانده شده و به شما ارث رسیده است. این بهشت مملو از کثافت شکم بارگی و تجاوز جنسی شایسته ی شما است. شما تلاش تبهکارانه ای کرده اید تا الگوی از این بهشت کثافت و رذالت را به جامعه تحمیل کنید. علم الهدی رییس آستان قدس، این مرکز صنعت فروش سکس به نام صیغه، الگویی از همان اندیشه و رویای پلیید هوس های سیری ناپذیر ضد زن صاحبان دین و بهشتیان موعود است. صنعتی که از مشهد مقدس تا کشورهای حوزه خلیج مشغول خرید و فروش زنان و دختران نوجوان و جوان خانواده های گرسنه و بی سرپرست و ریختن دینارهای عراقی و دلارهای امارات بعنوان دستمزد فحشا، به جیب گشاد و سیری ناپذیر رهبران دینی و نظامی جمهوری اسلامی است.

طبقه کارگر و زنان و جوانان و ده ها میلیون مردم زحمتکش، نظام دیکتاتوری اسلامی سرمایه و دین را با رگ و پوست و استخوان می شناسند. شما می توانید کالبد پوسیده و گندیده ی این نظام را با بالماسکه مسخره ای به نام انتخابات پینه کنید. مردم ایران از طبقه کارگر آگاه شاغل و بیکار معترض و اعتصابی تا دختران و جوانان تحصیلکرده از مدارس (حتی کودکان دبستانی دختر و پسر) و دانشگاه ها، حقوق بگیران تنگدست و زحمتکشان حاشیه شهرها... این میلیون ها میلیون انسان اسیر فقر و تباهی و بیماری، انتخاباتشان را کرده اند.

خامنه ای رییس نظام دیکتاتوری سرمایه و دین و اسلحه، سال ها است و همین هفته و ماه های یک سال و نیم اخیر، شبانه روز ندای آزادی و صدای «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» این مردم را شنیده است. به روی خود نیاوردن و تظاهر به این که انشالله چیزی نیست و فقط «چهار دختر فریب خورده اند»، جز این نیست که این موجود روان پریش و اطرافیان چاق و چله نظامی و دولتی و قضایی و مجلسی اش که بر سر خوان یغمای داراییهای جامعه تا خرخره خورده اند، خود را به خرید می زنند. در چنین احوالی به زنان بگویند، خانه داری و فرزندآوری کنید و مردان را به شرکت در انتخابات بفرستید، جز نشان پررویی، بیشرمی، بلاهت و رذالت محض نیست!

پاسخ بیش از ۸۰ میلیون مردم زحمتکش ایران به این نظام پلیید تبهکار عصر حجری این است که ما به شما و نظام تان از سر تا پا «نه» میگوییم. ما می خواهیم نظام سیاسی و اقتصادی برابر را به اراده و دخالت توده های کارگر و زحمتکش از پایین و در شوراهای کارگری و مردمی بسازیم. ما می خواهیم بهشت واقعی خود را بر روی همین زمین بنیاد کنیم. بشریت در طول قرن ها خشت روی خشت این بهشت واقعی را گذاشته است. خشت روی خشت آزادی، رفاه، برابری، انسانیت و همه ی چیزهایی که شما از آن بیگانه اید. نه تنها مردم ایران بلکه همه ی ستمدیدگان خاورمیانه، بدون دیکتاتوری سرمایه و دین و اسلحه ی شما، می تواند نفس راحتی بکشد!

**امسال پرچم رهایی زن، پرچم آینده ای فارغ از تبعیض و نابرابری، پرچم «ما به قدرت خود می توانیم»، در دست جنبش برابری طلبی زنان در ایران است. جنبشی که رهایی و آزادی زن در ایران را به سکویی برای رهایی زن در سراسر جهان تبدیل خواهد کرد.**

**این جنبش مردمی است که برای اولین بار در تاریخ جهان، بنام حق زن، بنام آزادی و برابری، پایه های یک حکومت ضد زن، ضد بشری و استثمارگر را نه تنها به لرزه درآورده است، که آن را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است.**

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

به حزب حکمتیست  
(خط رسمی) کمک مالی کنید!

کمک هایتان را از هر کانالی که خود مناسب  
میدانید، بدست ما برسانید.

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت  
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در  
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena